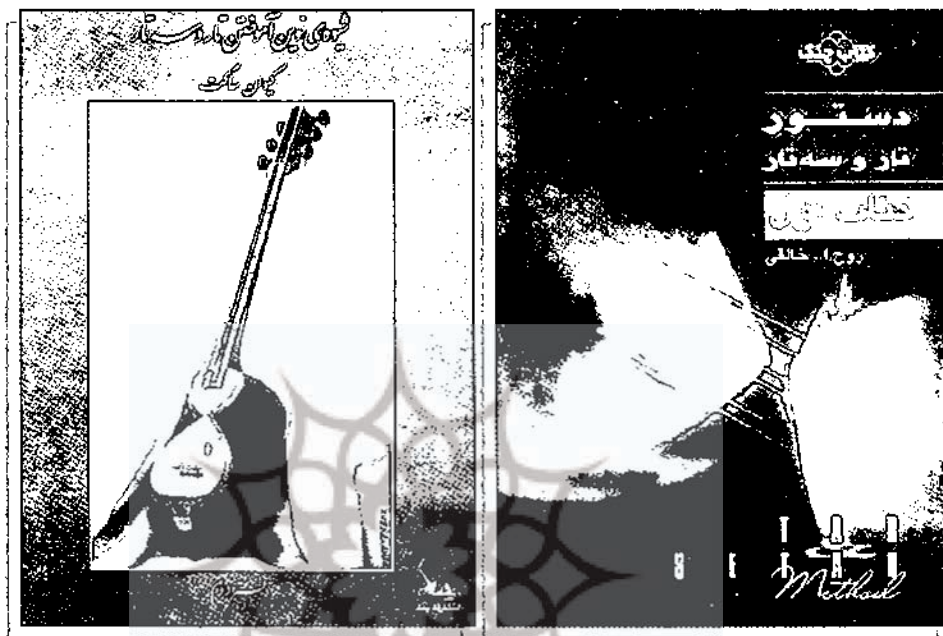


نه دستور نو، نه دستور کهنه!

به بهانه انتشار پی در پی دستورهای آموزشی موسیقی در سال ۱۳۷۸

● سیدعلیرضا میرعلی نقی



عنوان راهنمای هنر جوان عمل می‌کند. اگر چه در محضر ایشان بارها و بارها تاکید شده که تعلیم موسیقی نه با کتاب میسر است و نه با نوار، بلکه تنها با وجود استاد است که آموزش حقیقی میسر می‌شود.

اگر امروزه برخی از باریک‌بینان به دستور مقدماتی تار و سه تار هنرستان موسیقی ملی ایرادهایی می‌گیرند، باید شرایط خاص آن زمان (اوایل دهه ۱۳۳۰) را نیز در نظر بگیرند و این را هم فراموش نکنند که در هر حال بهترین تارنوازان و سه تارنوازان امروز ما، آنها که در رده سنی ۴۵ الی ۵۵ سال به سر می‌برند، از همین کتاب شروع کرده‌اند. کتاب استاد معروفی نسبت به دوره خود چیزی کم نداشت و اگر موسیقیدان‌های نسل‌های بعد تمام هم و غم خود را به کار اجرایی گذاشتند و از نگهداری میراث معلمان خود غافل شدند، تقصیر استادان نیست. به قول ایرج میرزا: قدر استاد نکودانستن، حیف استاد به من یاد نداد. در بین آن شاگردان تنها آقای حسین علیزاده بود که نیاز به نوشتن یک دستور آموزشی با روش نوین را در نظر گرفت و کتاب پرفایده «آموزش سه تار» که نوار آن هم منتشر شده، نمایانگر زحمت او است. این دستور آموزشی، پستوانه سال‌های سال تجربه و تمرین و خلاقیت نوازنده‌اش را در خود نهفته دارد و با عنایت به سیستم مقام‌های سازنده موسیقی ایرانی و عامل بسیار مهم ادوار ایقاعی، واجد نگاهی بسیار «ایرانی» تر است، نسبت به نگاهی که وزیری و معروفی داشتند. استاد

نیست. چرا که آنها را استادانی نوشته‌اند که هر کدام از بیست تا چهل پنجاه سال سابقه تعلیم و تدریس و تجربه موسیقی داشته‌اند و همه در زمره بزرگترین موسیقیدان‌های قرن حاضر ایران هستند. از این کتاب‌ها، برخی محتاج ویرایش جدید و اضافه کردن مطالب دیگر و بیشتر هستند، نظیر کتاب‌های دستور تار و آموزش تار و سه تار و ویولن استاد علینقی وزیری و یا کتاب اول و دوم تار و سه تار تألیف استاد موسی معروفی، و برخی بی‌نیاز از اضافه کردن مطالب جدید هستند و تنها به ویرایش مختصری برای پاسخ به نیازهای روز، محتاج هستند. نظیر دوره تعلیم ویولون اثر استاد ابوالحسن صبا و دوره ردیف سنتور از همین استاد خوشبختانه به کوشش شاگرد خلف او آقای فرامرز پایور ویرایش تازه‌ای شده و به بازار آمده است. استادانی که به دستورهای آموزش خود حساس باشند و هر چند سال آنها را ویراسته و آراسته به مطالب جدید کنند از شمار انگشتان یک دست هم کم‌ترند. برجسته‌ترین آنها، استاد فرامرز پایور است که کتاب «دستور سنتور» ایشان (چاپ اول، ۱۳۴۰) بیش از بیست بار و در تیراژهای وسیع تجدید چاپ شده و هم‌اکنون نیز معتبرترین کتاب آموزشی برای تعلیم سنتور به مبتدیان است. محتوای این کتاب را شخص مؤلف با مضراب توانای خود در نوار ضبط کرده و انتشار داده که هم‌اکنون نیز هست و به

سر دبیر مجله هنر موسیقی در سرمقاله‌ای که برای شماره نوروز نوشته‌اند، از وفور دستورهای آموزشی گله‌گزاری کرده‌اند. سخن به حق ایشان این است که اکثر این «دستورها» به قلم افراد بی‌صلاحیت و یا کم صلاحیت نوشته می‌شوند و واجد پختگی لازم برای تربیت شاگردان نیستند. این اپیدمی به ویژه در سازهای سنتور و تنبک بیشتر است. چرا که این دو ساز از اقبال عمومی بیشتری برخوردارند و ظاهراً نواختن آنها ساده‌تر از سازهایی نظیر تار و سه تار و کمانچه است. فقدان مرکز معتبری که این دستورنویسان را تعیین صلاحیت کند، لطمه‌های جدی به جریان آموزش موسیقی در ایران زده است و با این ترتیب که پیش می‌رود دیری نخواهد گذشت که هر استاد محترمی که دوسه تا شاگرد دارد، «دستور» خود را خواهد نوشت و تنها از روی آن به شاگردان بی‌نوا درس خواهد داد و ما به تعداد کلاس‌های با مجوز و بی‌مجوز موسیقی، صاحب کتاب‌های آموزشی خواهیم شد! هرج و مرجی که از این طریق بر موسیقی ایرانی وارد می‌شود قابل تصور نیست.

نباید گمان کرد که کتاب‌های آموزشی قدیمی‌تر اعتبار خود را از دست داده‌اند و روی این نیاز است که کتاب‌های جدید نوشته می‌شود. ممکن است در برخی از کتاب‌های قدیمی که چاپ سال‌های ۱۳۳۰ و ۱۳۲۰ هستند، در قبال نیازهای امروز موسیقی، کم و کاستی‌هایی باشد؛ ولی در اعتبار آنها جای شک و تردید

بودا دستور آموزشی او در سه دوره مفصل تا سال‌های سال به صورت زیراکس تکثیر می‌شد و هم‌اکنون سالی بیش نیست که کتاب اولی همراه با دستورهای آموزشی او به صورتی پاکیزه و زیبا چاپ شده‌اند و نشان دهنده توانایی‌های تکنیکی و آموزشی یک هنرمند تکنواز کاملاً مسلط و شایسته هستند.

هنرجویان تازه پا به میدان گذاشته شده‌ای که به عشق موسیقی شب و روز می‌گذرانند، گاهی تا مدت‌های مدید به طور جدی در انتخاب یک دستور آموزشی مطمئن و از آن مشکلتر در یافتن استادی که بتواند موسیقی را به طرز صحیح به آنها بیاموزد، سرگردان می‌مانند و بسیاری از آنها که اتفاقاً جزو استعدادهای درخشان شهرستان‌ها هستند، بلا تکلیف و معطل از این کلاس غیرمعتبر به آن کلاس نامعتبر، وقت تلف می‌کنند. سه چهار سال است که بعضی نوازندگان چیره‌دست که از اعتبار و شهرت فراوان برخوردار هستند، به فکر نوشتن دستورهای آموزشی اقتاده‌اند در حالی که طی بیست سی سال کار موسیقی، شاید بیست یا سی ساعت فکرشان را متمرکز بر این موضوع نکرده‌اند! از آفتاب روشن‌تر است که مقام هنری دلیل بر وجود مقام علمی و آموزشی نیست و عده بسیار کمی هستند که هر دوی اینها را با هم دارند. بسیار پیش می‌آید که نوازندگان مبتدی از روی عشق و علاقه‌ای که به آثار هنری فلان استاد و یهمان هنرمند دارند، کتاب او را تهیه می‌کنند و به افرادی که مدعی هستند دوره کامل را نزد همان استاد طی کرده و مورد تأیید او هستند، به راحتی اعتماد می‌کنند. کمترین نتیجه، تحمیل سبک غلط نوازندگی به هنرجو است که در صورت تشخیص و همت لازم برای رفع عیب، باید ماهها و بلکه سال‌های متمادی کوشید تا شیوه صحیح را جایگزین کرد.

با همه این حرفها هنوز بازار آشفته کتاب‌های آموزشی پررونق است. هنرمندان و کم‌هنران و بی‌هنران همه کتاب می‌نویسند و تنها اندکی هستند که شایسته ارزش‌گذاری و دنباله‌روی را دارند. بازار کتاب‌های قدیمی همچنان گرم است؛ دوستی می‌گفت گویا دستور مقدماتی تار و سه‌تار هنرستان موسیقی ملی که حقوق آن به استاد روانشاد خالقی تعلق داشت، به دو یا سه موسسه انتشاراتی واگذار شده است، یعنی دو سه موسسه انتشاراتی هر کدام دستور مقدماتی تار و سه‌تار را بدون هیچ تفاوت و تغییری چاپ و تجدید چاپ می‌کنند و با گذشت ۴۸ سال از اولین چاپ، هیچ ویرایش فنی - محتوایی و یا حذف و اضافه‌ای در آن صورت نگرفته است. و همان دوست می‌گفت انتشار متن ویراسته دوره چهار جلدی آموزش سنتور استاد صبا به کوشش آقای پایور، دچار اشکالاتی اداری و حقوقی شده است. هنوز هیچ تکلیف مشخصی برای تعیین حقوق کتاب‌های اختصاصی (متعلق به وارث هنرمند) و کتاب‌هایی که عام هستند و تنها با بازنگری و تصحیح و ویرایش خاص از همدیگر ممتاز می‌شوند، وجود ندارد؛ هنوز بسیاری از کتاب‌ها، معطل تجدید چاپ هستند و افراد انگشت‌شماری هستند که کار می‌کنند و کار می‌کنند و... به قول آن بزرگ «و بدین سان است که کسی می‌میرد و کسی می‌ماند»

◀ دیری نخواهد گذشت که هر استاد محترمی که دو سه شاگرد دارد، «دستور» خود را خواهد نوشت و تنها از روی آن به شاگردان بی‌نوا درس خواهد داد و ما به تعداد کلاس‌های با مجوز و بی‌مجوز موسیقی، صاحب کتاب‌های آموزشی خواهیم شد!

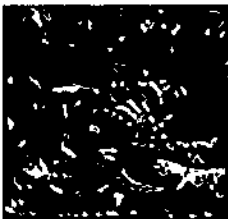
حسین علیزاده می‌تواند جزء جزء اثرش را از چند جهت توضیح بدهد و دلایل گزینش هنرت را ارائه کند. ولی این افراد به قول عارف قزوینی «میرزا خودروهای دیمی‌نویس»، که بعد از دو سال سازنواختن به طرز مبتدی، هوس دستورنویسی می‌کنند نیز واجد این صلاحیت هستند؟ شک نیست که جواب منفی است. گذشته از کم‌حوصلگی استادان در کار دستورنویسی و بی‌اعتنایی بسیاری از این استادان به امر بسیار مهم آموزش، مشکلات ناشی از درگیر شدن با هزارخوان چاپ و نشر نیز از عوامل ترساننده‌ای است که سر راه مؤلفان نشسته‌اند. از مشکلات بین مولف و ناشر سخنی نمی‌گوییم که و این رشته سر دراز دارد. حرف این جاست که باید مرکزی مطمئن و خوشنام، چه خصوصی و چه دولتی، این اطمینان را به استادان بزرگ موسیقی بدهد که کارشان را خریدار است، و بهای شایسته معنوی و مادی برای آن قائل است و با بهترین کیفیت آن را چاپ و منتشر خواهد کرد. چنین فضایی مهیا نیست و اگر هست برای موسیقیدانانی معدود از گروهی خاص و با نحوه تفکری خاص است که اهل موسیقی نیک می‌شناسند و نیازی به آوردن نام و عنوان نیست. اندکی از هنرمندان هم هستند که حس مسؤولیت‌شان، هر مانعی را زیر پا می‌گذارد و مشکلات را خرد می‌کند؛ به یاد بیاوریم بهمن رجبی را که در سال ۱۳۵۶ مانیفست خود را با عنوان «تنبک و نگرشی به ریتم...» با سرمایه شخصی چاپ کرد و سال‌ها بابت هزینه‌های آن بدهکار

هنر معماری اسلامی: از بغداد تا اورشلیم و کوردوبا

Islam: Early Architecture from Baghdad to Jerusalem and Cordoba

by Henri Stierlin, Aune Stierlin
Tashen American Lic, Nov 1996, 240P
ISBN: 3822885614

ISLAM: EARLY ARCHITECTURE FROM BAGHDAD TO JERUSALEM AND CORDOBA



کتاب حاضر بررسی جامعی است درباره ۶۰۰ سال هنر معماری اسلامی از قرن هفتم تا قرن سیزدهم، که ناحیه‌ای از خاورمیانه تا سیسیل، مغرب و اندلس را در بر می‌گیرد.

در این اثر به شاهکارهایی از هنر معماری از اورشلیم تا کاخ‌های مجلل امویان در سوریه و فلسطین گرفته، تا بقایای کاخ‌های باشکوه خلیفه‌ها در سامرا (Samarra) و (Saragossa) و مساجد بزرگ دمشق (Damascus) و کوردوبا (Kordoba) پرداخته است.